

بررسی مسأله جانشینی حضرت محمد(ص)

محمود ذکاوت¹

چکیده

یکی از مناقشه‌برانگیزترین مسائل تاریخ اسلام، مسئله جانشینی حضرت محمد(ص) است. مقاله پیش‌رو در نظر دارد با تمرکز بر معیارهای عربی - اسلامی، نقش آن‌ها را در جانشینی پیامبر بکاود و با روش توصیفی - تحلیلی، بحثی متفاوت از بحث‌های گذشته ارائه کند. گرچه در مسئله‌ی جانشینی پیامبر، جهت توجیه خلافت ابوبکر، بازگشت عرب به سنن جاهلی بیان می‌شود، اما این مقاله با تمرکز بر این سنت‌ها، به نتیجه‌ی متفاوتی رسیده است. یافته اساسی تحقیق حاکی از آن است که معیارهای عرب در امر جانشینی با اندکی تغییر در دوره‌ی اسلامی نیز هم‌چنان به حیات خود ادامه داد. در حالی که در جریان سقیفه این معیارها به طور کلی مورد توجه قرار نگرفت. **واژگان کلیدی:** پیامبر(ص)، تقوا، جانشینی، خلافت، شیخوخت، وراثت، وصایت، نظام متکی به مکتب.

A Research on The succession of the prophet Mohammad

Mahmud Zekavat²

Abstract

One of the most controversial problems of the history of the Islam was the succession of the prophet Mohammad. This paper tries to see this issue from a different view-point and, by focusing on the Islamic-Arabian criteria, research the role of these principles in the succession of the prophet. This article aimed to provide, by a descriptive-analytic method, an absolutely new view-point. For legitimizing Abu-bakr's succeeding the prophet, many scholars focus on Arabian old traditions. But, in respect to the same traditions, we can gain a very different conclusion. Arabian criteria for succession, with a few reforms, were respected throughout the history of the Islam except Saqifa meeting.

Keywords: The Prophet Mohammad- virtue- the succession- caliphate- inheritance- Vesayat- sheykhukhiyat- religion-based system.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز.

2. MA Student of the History of Islam, Shiraz University. Email:
Zakavat313@gmail.com

بیان مسأله

1) یکی از اساسی‌ترین مسائل تاریخ اسلام، مسئله‌ی جانشینی پیامبر(ص) و پاسخ به این سوال است: آیا حضرت محمد برای خود جانشین انتخاب کرد یا آن را به شورا واگذار کرد؟ این امر، به قدری مهم است که بزرگ‌ترین انشعاب مسلمانان (شیعه و سنی) ریشه در همین موضوع دارد. این مسئله به کرات موردنظر مورخان، متکلمان و محققان بوده و از زوایای مختلفی بررسی شده است. در این تحقیق سعی می‌شود از منظری متفاوت به این مقوله پرداخته شود. چشم‌اندازی که مسئله‌ی جانشینی را به مثابه تداوم سنتی عربی که تا حدودی به وسیله‌ی معیارهای اسلامی تعدیل شده، بررسی می‌کند. در واقع آن‌چه در این مقاله مورد توجه است نسبت امر «جانشینی» پیامبر(ص) با سنن پیش از اسلام و تعالیم نبوی است. بنابراین «خلافت» به مثابه «جانشینی» بررسی می‌شود.

2) در یک تقسیم‌بندی کلی، اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی، به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند: «نظام‌های آزاد» و «نظام‌های متکی به مکتب». هر کدام از این نظام‌ها، اقتضائات و اصول خاص خود را دارند. «نظام‌های آزاد» از انعطاف زیادی برای هم‌نوائی با شرایط مختلف برخوردارند، و افراد در این نظام‌ها از اختیار نسبتاً زیادی جهت چشم‌پوشی یا عدم توجه به همان ملاک‌ها برخوردارند. اما «نظام‌های متکی به مکتب» معیار و ترازشان مشخص است. در چنین ساختاری، افعال پیروان نظام با تعالیم مکتب سنجیده شده و میزان سختیت آن افعال و اعمال با آن مکتب و نظام قابل حصول است. با عنایت به توضیح فوق مسئله‌ی جانشینی پیامبر(ص) را باید به مثابه امری در چارچوب «نظام‌های متکی به مکتب» نگریست.³ به عبارتی دیگر «نظام سیاسی - اجتماعی» اسلام یا مسلمانان، متکی به «مکتب اسلام» است.

3) مقاله‌ی پیش‌رو گرچه از منظری ایدئولوژیک و کلامی نیز به مسئله می‌نگرد ولی به هیچ‌وجه در صدد دامن زدن به اختلافات دینی و فرقه‌ای، خاصه میان شیعه و سنی نیست و صرفاً جهت طرح یک مسئله و پاسخ با آن نگاشته شده، به این منظور که جریان و مسئله‌ی جانشینی حضرت محمد(ص) دقیق‌تر و بهتر فهم شود. تمرکز مقاله بر علی ابن ابی‌طالب(ع) به عنوان تنها فردی که عموم معیارها را داراست، به هیچ وجه منکر صلاحیت و شایستگی‌های دیگر صحابه‌ی پیامبر اسلام نیست.

3. فهم این نکته را مدیون دکتر محمد مهدی مرادی خلیج هستم.

ادبیات و روش مقاله

همان‌طور که اشاره شد مسئله‌ی جانشینی پیامبر(ص) بخش عظیمی از پژوهش‌های تاریخ صدر اسلام را به‌خود اختصاص داده است. اما توجه به مسئله‌ی جانشینی وی به مثابه مقوله‌ای برآمده از سنتی عربی - اسلامی محدود بوده است. ویلفرد مادلونگ در کتابش، جانشینی حضرت محمد(ص) خاصه در مقدمه‌ی کتاب و همچنین در فصل «ابوبکر: جانشینی رسول خدا و خلافت قریش»⁴ چنین رویکردی دارد. همچنین علی‌اصغر قائدان در مقاله‌ای با عنوان «نقش نظام قبیله‌ای در تحولات سیاسی جزیره العرب»⁵ به‌خوبی نقش سنن عرب جاهلی در تحولات اجتماعی و به‌طور خاص جانشینی محمد(ص) را نشان می‌دهد. عبدالفتاح عبدالمقصود نیز در کتاب خاستگاه خلافت، آن‌جا که سعی می‌کند تفاوت دو نوع حکومت در طول تاریخ و همچنین پیشینه‌ی سقیفه را توضیح دهد، تا حدودی وارد موضوع موردبحث می‌شود. خاصه وقتی سقیفه را به کودتا تشبیه می‌کند.⁶ اما این مقاله، درک جدیدی از مسئله ارائه می‌دهد و با بررسی تغییر و تعدیل ملاک‌ها و مبانی عرب در امر جانشینی، آن‌چه در باب جانشینی محمد(ص) رخ داد را نه بازگشت عرب به سنن جاهلی بلکه تخطی از آن سنن می‌داند.

این مقاله از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی تبعیت می‌کند. مفروض مقاله این است، که حضرت محمد(ص) برای زمان بعد از خود نیز برنامه داشته است. به این معنی که با تعیین جانشین، در نظر داشت به بهترین نحو برنامه‌هایش را پیش ببرد. پس پیامبر(ص) جهت تداوم برنامه‌های خویش به این امر (جانشینی) نظر داشت. بعداً عمل ابوبکر مبنی بر تعیین جانشین برای خود نیز بنا بر همین مبنا بود. هر چند که او، تعیین جانشین توسط پیامبر را انکار می‌کرد. این قضیه را حتی، عبدالله بن عمر به پدرش گوشزد نمود. مثال عبدالله برای تفهیم مرادش به پدر، به‌خوبی نشان می‌دهد که محمد(ص)، امت را بدون سرپرست رها نمی‌کند.⁷

4. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد(ص)، ترجمه احمد نمایی و دیگران (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، 1385)، ص 98-61.

5. علی‌اصغر قائدان، «نقش نظام قبیله‌ای در تحولات سیاسی جزیره العرب»، مجله کیهان فرهنگی، ش 132 (فروردین و اردیبهشت 1376)، ص 54-51.

6. عبدالفتاح عبدالمقصود، خاستگاه خلافت، ترجمه سید حسن افتخارزاده (تهران: نشر آفاق، 1376)، ص 257، 282-285، 465-444.

7. نک: ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، ج1، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: علمی و فرهنگی، 1370)، ص 677.

جانشینی در سنت عربی

اسلام به هنگام ظهور و در دوره‌ی تداومش، نسبت به سنن و رسوم عرب مواجه‌ای صرفاً یک‌سویه و منفی نداشت. بخشی از رسوم عربی با تغییرات محتوایی، در تعالیم اسلام به حیات خود ادامه دادند. «حج»، «قربانی کردن» و «نماز گذاردن» بخشی از «سنت‌های اجتماعی» هستند که پیش از بعثت پیامبر نیز وجود داشتند، اما در دوره‌ی پیامبر با تغییراتی در جهت مقاصد توحیدی به خدمت گرفته شدند. این همکاری به حدی است که این شائبه به‌وجود آمده است که «ارزش‌های قبیله‌ای در نظام اخلاقی قرآن به حیات خود ادامه داد.»⁸ حالت افراطی این نوع برداشت باعث می‌شود برخی خاستگاه نهادهای اسلامی را نزد اقوام بین‌النهرین باستان جست و جو کنند.⁹ با این وجود بخشی از آیین‌های عرب توسط تعالیم اسلام تعدیل شد؛ عرب حج را در ماه‌های مختلف به جای می‌آورد، اما خداوند در قرآن دستور داد آن اعمال معین را در ماه معینی از سال انجام دهند.¹⁰ بنابراین «فریضه‌ی حج در دین اسلام، آیینی است بسیار قدیمی که مناسک و آداب آن در عهد جاهلیت از ارکان دینان آن‌ها شمرده می‌شده است. پیامبر اسلام نیز آن آیین و مناسک را پس از اصلاح و دادن تغییر در بعضی اعمال و دعاها و اذکار آن، در دین خود پذیرفت و امضاء کرد. و به جای شعارهای بت‌پرستی، شعارهای یگانه‌پرستی معمول کرد، و در بعضی مواد مانند تقدس حجرالاسود، که آیینی بت‌پرستی بود، تغییری نداد.»¹¹ مناسبات اجتماعی و سیاسی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. یکی از مسائل اساسی جامعه‌ی عربی، به‌خصوص در بعد سیاسی مسئله‌ی «جانشینی» بود. بعد از فوت رئیس قبیله جانشین وی زمام امور را به دست می‌گرفت. جانشین چه کسی می‌تواند باشد؟ خصوصیات فرد جانشین و نحوه‌ی انتخابش به بحث این مقاله ارتباط پیدا می‌کند. در بالا اشاره شد که برخی از رسوم عربی، البته با تغییراتی در ظاهر و محتوا در تعالیم اسلام تداوم پیدا کرد. یکی دیگر از این رسوم، «جانشینی» است. به عبارت دیگر نهاد «جانشینی» نیز دچار تغییراتی شد.

شکل روشن و کاملی از شیوه‌ی انتخاب رئیس قبیله را نمی‌توان به راحتی دریافت. اما در نظام عشیره‌ای منصب شیخ (رهبر عشیره) موروثی است و شیخ قبیله قادر است از بین برادران، فرزندان و یا احفاد خود، فردی را برای جانشینی انتخاب کند. چه بسا شیخ قبیله کودکی خردسال است که

8. آنتونی بلک، تاریخ‌اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه محمد حسین وقار (تهران: اطلاعات، 1386)، ص 17.

9. نک: آیرا ماروبن لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیاری‌زاده (تهران: اطلاعات، 1381)، ص 18.

10. قرآن کریم، ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی (قم: امام علی ابن ابی طالب (ع)، 1387)، سوره 2، آیه 197.

11. یوسف فضایی، جامعه‌شناسی ادیان (تهران: روزگار، 1364)، ص 130.

تحت ولایت یکی از نزدیکانش قرار می‌گیرد تا به سن رشد برسد. شکی نیست که انتقال رهبری به شیوه «وراثت» از روش‌های اصلی در اجتماع و نظام قبیله‌ای قدیم بوده است. با این حال اختیارات رئیس تنها به وراثت قائم نبوده است. به عبارت دیگر «صفات» یک فرد هم در تعیین او به عنوان رئیس و هم در میزان و حدود اختیارات نقش داشته است. صفات رئیس قبیله را علم، شجاعت، وقار و مهابت، تواضع، حمایت از همسایه، یاری بندگان، غیرتمندی، ایثار و نظایر آن تشکیل می‌داده است. به این صفات باید دو ویژگی دیگر نیز افزود؛ قیافه ظاهری و سن. همچنین «کهولت» در اغلب موارد از شرایط اصلی ریاست بوده است زیرا قبیله اطمینان نداشته که قلاده‌ی امور خود را به دست جوانان کم‌سن و سال بسپارد. رئیس قبیله معمولاً¹² از قداست خاصی در میان افراد برخوردار بود. علاوه بر این، توصیه یا «وصیت» شیخ نیز در امر جانشینی دخیل بود.

اما پیامبر و تعالیمش، بر این معیارها نظر و تغییراتی را ایجاد کرد. ایشان اگرچه حج گذارد ولی با آدابی متفاوت از عرب جاهلی چنین کرد. همچنین عمل قربانی کردن و حتی عبادت و نماز گذاردن ایشان و پیروانش اگرچه همسان با دیگر اعراب رو به قبله بود و کعبه را در نظر داشت، اما در آداب و محتوا متفاوت از عبادت و هدف عرب غیرمسلمان بود. به همین میزان نیز معیار و شیوه‌ی جانشینی پیامبر(ص) می‌تواند دچار تغییر شده و البته گرچه به بخشی از معیارهای معمول نظر دارد، ولی اصول خاص خویش را داراست.

پیش از این، در مورد مسئله جانشینی و اهمیت آن اشاره رفت و این سخن که جانشینی پیامبر(ص) را امری می‌دانند که، محمد در موردش نظری نداشته و اساساً برای آن وصیتی نداشته، موجه نیست. اساساً بحث در مورد اهمیت مقوله‌ی جانشینی نیست، بلکه مطلب مورد مناقشه کیستی جانشین است. به این معنی که، متناسب با «معیارهای» بیان شده چه کسی می‌تواند مصداق بارز جانشین پیامبر(ص) باشد و اساساً این منصب شایسته‌ی کیست؟ گزینه‌های جانشینی محدود به صحابی پیامبر است. کدام صحابی جانشین محمد(ص) می‌باشد؟

12. قائدان، ص 52؛ همچنین نک: عبدالعزیز سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدیقی‌نیا (تهران: علمی و فرهنگی، 1380)، ص 312-311؛ فلیپ حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: اساطیر، 1344)، ص 37. به نقل از جواد علی، تاریخ مفصل عرب؛ سید جعفر شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام (تهران: علمی و فرهنگی، 1383)، ص 28.

1. تقوا مهم‌ترین معیار برتری

محمد(ص) بارها ملاک برتری افراد را، تقوا معرفی کرد. این پیامی بود که به او وحی شده بود. «انَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»¹³ بنابراین ملاک‌ها و معیارها همه ذیل این امر (تقوا) قرار گرفت. پس مهم‌ترین عامل در تعیین جانشین، امر «تقوا» است. باتقواترین فرد بعد از پیامبر(ص) می‌تواند جانشین او شود. این امر که باتقواترین مردم بعد از نبی اکرم که بود، را می‌توان از فحوای کلام پیامبر و به کمک منابع استخراج کرد. برای کشف این امر به سراغ منابع خواهیم رفت. «اول کسی از مردان که ایمان آورد، علی(ع) بود»¹⁴ پیش از این امر، علی تربیت یافته‌ی خانه‌ی پیامبر بود و دوران رشد و بلوغش را در خانه‌ی محمد طی کرد¹⁵ و به واسطه‌ی همین پیشگامی علی در پذیرش اسلام، بنابر وعده‌ی الهی او از مقربان درگاه الهی است «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»¹⁶ حدیث مشهور پیامبر با این معنی که «من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن...»¹⁷ عمق این تقوا و پرهیزگاری را نشان می‌دهد. با عنایت به مطالب فوق، می‌توان به میزان و عمق تقوای علی ابن ابی طالب پی برد.

2. «کهولت» و «کبر سن» معیاری که منسوخ شد

اعراب پیش از اسلام، معمولاً برای منصب شیخ، فردی را معرفی می‌کردند که از کِبَر سن و «کهولت» برخوردار و شیخوخیت¹⁸ لازم را داشته باشد. اساساً یکی از معیارهای اساسی عرب جاهلی، برای جانشینی همین مقوله بود. اما در تعالیم اسلام مسئله‌ی سن افراد در درجات بعدی قرار گرفت و اساساً اهمیت خود را به این معنا از دست داد. مشورت پیامبر با جوانان در جریان جنگ احد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

13. قرآن کریم، سوره 49، آیه 13.

14. ابن هشام، زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام، ج1، ترجمه رسول محلاتی (تهران: کتابخانه اسلامی خیابان پامنار، 1368)، ص 160؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، جزء ثالث (بیروت: دارالفکر بیروت، 2001)، ص 493؛ ابن اثیر، أَسَدُ الْغَابَةِ فی المعرفة الصحابه، جزء الثالث، التحقيق خلیل مامون (بیروت: دارالمعرفة، 2009)، ص 282.

15. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، جزء ثانی، (بیروت: دارالصادر، 1965)، ص 58.

16. قرآن کریم، سوره 56، آیه 10-11.

17. ابن اثیر، أَسَدُ الْغَابَةِ فی معرفة الصحابه، ص 288.

18. شیخوخیت بار معنایی بیشتری دارد.

و ترجیح رأی ایشان بر نظر خویش،¹⁹ همچنین آن‌گاه که پیامبر اسامه جوان بلکه نوجوان را فرمانده سپاه اسلام برای نبرد علیه رومیان می‌کند²⁰ همه حاکی از اهمیت عنصر جوان در مناسبات سیاسی و اجتماعی دارد. بنابراین پیامبر کهولت، شیخوخیت و کبر سن را به عنوان امری تعیین‌کننده و حتی با اهمیت برای جانشینی به هیچ وجه در نظر نداشت. این در حالی بود که اتفاقاً او به عنصر جوان بیشتر توجه داشت. با عنایت به مطالب فوق و معیار بیان شده، توجیه خلافت ابوبکر با این استدلال که وی مسن‌ترین افراد در میان صحابی بود که می‌توانست منصب خلافت را در اختیار گیرد جایگاهی ندارد و کسانی بودند که از او کم سن و سال‌تر بوده و درایت و توانایی بیشتری داشتند. ولی با آن معیار نخواهد شد، کنار زده شدند.

3. «وراثت» و «وصایت» در امر جانشینی

مسئله وراثت در امر جانشینی نزد عرب بسیار حائز اهمیت بود. «انتخاب آن‌ها به عنوان رئیس، گاه و بی‌گاه ارثی بوده که از پدران خود برمی‌گرفتند... [حتی] در یمن ریاست با نسبت انتقال می‌یافت.»²¹ در امر جانشینی کسانی محق‌تر بودند که به لحاظ خون به رئیس پیشین نزدیک‌تر باشند. شیخ که در همه حال راهنما و راهبر قبیله است، در آخرین لحظات نیز حرفش نافذ است. به این معنی که، او قادر است راجع به سکان‌دار بعدی قبیله رأی و نظر خویش را اعمال کند. این امر که در قالب وصیت شیخ بروز می‌یابد، نقش مهمی در تعیین جانشین دارد. انبیا الهی عموماً، افرادی را به عنوان وصی برای دوران پس از خویش معرفی می‌کردند، که نسبت فامیلی نزدیک با ایشان داشتند. این امر نه‌تنها با ظهور اسلام خدشه‌ی چندانی پیدا نکرد، بلکه می‌توان با تأکید که قرآن بر خانواده و اهل بیت پیامبران داشت،²² به اهمیت بیشتر این مقوله پی برد. برای شناخت بیشتر در این موضوع، کتاب جانشینی حضرت محمد (ص) توضیح مفصلی دارد.²³

19. محمد بن عمر واقدی، مفازی، ج 1، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1366)، ص 153؛ ابن هشام، ج 2، ص 89 - 88؛ ابن سعد، طبقات، ج 3، ترجمه محمود مهدوی دامغانی (تهران: فرهنگ و اندیشه، 1374)، ص 35؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج 3، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران: اساطیر، 1388)، ص 1016.

20. واقدی، ص 855؛ ابن سعد، ص 237.

21. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج 1 (قم: انتشارات دلیل ما، 1387)، ص 161.

22. قرآن کریم، سوره 3، آیه 34 - 33.

23. مادلونگ، ص 48 - 33.

اما در سقیفه با طرح «الائم من قریش»، سعی شد مسئله فوق به نفع جریان خاصی تحریف شود. اما اگر همین امر، واقعاً مبنای خلافت قرار می‌گرفت باز هم خلیفه و جانشین پیامبر کسی غیر از ابوبکر بود. کسی که با وجود سن اندکش نسبت به ابوبکر، نزدیک‌ترین فرد به پیامبر بود. او نه تنها پسر عموی پیامبر که به نوعی فرزند ایشان بود. علی(ع) از همان خردسالی در خانه محمد بزرگ شد. پیامبر او را برادر خود خطاب کرده بود و نسبت او و خودش را چون موسی و هارون می‌شمرد.²⁴ همچنین علی و محمد در مدینه با هم عقد اخوت بستند،²⁵ تا این پیوند را به وضوح عیان کنند. پیامبر در جریان غزوه‌ی تبوک که علی را به اداره‌ی مدینه گماشته بود، تکرار کرد که نسبت خود و علی ابن ابی طالب(ع) را همچون نسبت موسی و هارون علیهما السلام می‌داند.²⁶ او به علی فرمود: «أنت أخی فی الدنیا و الآخرة»²⁷ با عنایت به مطالب فوق، اگرچه پیامبر به هنگام فوت یا شهادت فرزند ذکوری نداشت، اما حضور علی ابن ابی طالب چنین خلأیی را پر می‌کرد و او در جایگاه وارث و وصی پیامبر قرار داشت.

4. قابلیت‌های فردی و اجتماعی (صفات) جانشین

«...عرب جاهلی، ریاست را جز با شش خصلت به کسی نمی‌داد: بیان، تواضع، حلم، صبر، سخا و شجاعت»²⁸ «و بسا کسانی که به علت دارا بودن صفتی چون عقل و پاکدامنی و ادب و آگاهی رئیس شدند.»²⁹ کدام یک از صحابی مجموعه یا بیشتر این خصایل را دارا بود؟ قرآن بیان می‌کند: «الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیه فلهم أجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون».³⁰ ابن اثیر به صراحت آیه مذکور را در وصف علی می‌داند.³¹ این امر به سخاوت علی

24. عسقلانی، ص 493.

25. ابن هشام، ص 337.

26. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری (بیروت: دارالفکر، 2008)، حدیث 3706: مسلم بن حجاج، صحیح مسلم (مصر: مکتبه عباد الرحمن، 2008)، حدیث 31؛ عسقلانی، ص 495-493؛ ابن اثیر، *أسد الغابه فی المعرفه الصحابه*، ص 291.

27. ابن اثیر، *أسد الغابه فی المعرفه الصحابه*، ص 282.

28. بلوغ الادب، ج 2، ص 187. به نقل از جعفریان، ص 162؛ شهیدی، ص 28.

29. المفصل، ج 4 ص 351، به نقل از همان.

30. قرآن کریم، سوره 2، آیه 274.

31. ابن اثیر، *أسد الغابه فی المعرفه الصحابه*، ص 291.

شهادت می‌دهد. در وصف سخاوت ایشان به همین بسنده می‌شود و وارد قضیه‌ی صدقه‌ی ایشان به هنگام رکوع در نماز نخواهیم شد.

علی(ع) در عموم غزوات و سرایا حضور جدی داشته و هرگز از بار مسئولیت شانه خالی نکرده بود. او در 26 غزوه حضور داشت.³² در غزوه‌ی بدر، ایشان به همراه حمزه و عبیده بن حارث عبدالمطلب، نقش اساسی را در جنگ ایفا کردند. تا جایی که ستایش رسول‌الله را نیز برانگیخت.³³ در غزوه‌ی اُحد کار به جایی رسید که بخشی از سپاه اسلام فرار کردند.³⁴ این در حالی بود که علی از جان پیامبر محافظت می‌کرد. ابن‌اثیر اشاره می‌کند که علی به دستور پیامبر بر مشرکان فایق آمد، «...در این هنگام فرشته‌ی وحی به پیامبر عرض کرد: این نهایت فداکاری است که علی از خود نشان می‌دهد. رسول خدا فرمود: او از من است و من از او هستم. در این هنگام صدایی از آسمان شنیدند که می‌گفت: «لاسیف الا ذوالفقار، لا فتی الا علی».³⁵ در جنگ احزاب همه‌ی شرکت‌کنندگان در آن به‌وضوح شاهد شجاعت علی بودند،³⁶ آن‌گاه که برای مقابله با عمرو بن عبدود کسی جز فرزند ابوطالب حاضر به مبارزه نشد. هنگامی که علی قهرمان عرب را کشت، تکبیر برخاست.³⁷ در خیبر نیز کار به جایی رسید که، پیامبر گفت: «پرچم را به کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می‌دارند و پیروزی به دست او خواهد بود»³⁸ گویاترین نمونه برای شجاعت علی، خوابیدن وی در بستر رسول خدا به هنگام هجرت ایشان بود.³⁹

5. مقبولیت یا عدم مقبولیت جانشین و نسبت آن با «نظام متکی به مکتب»

مقبولیتِ شخص برای جانشینی رئیس، نزد افراد قبیله بسیار حائز اهمیت است. این امر که مقبولیت چگونه ایجاد می‌شود و توضیح و تبیین آن در این مقال نمی‌گنجد. آن‌چه مراد نویسنده است، اشاره

32. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان (قم: موسسه امام صادق(ع)، 1385)، ص 42.

33. ابن هشام، ص 26-25.

34. همان، ص 102.

35. ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ص 154.

36. طبری، ص 1075.

37. واقدی، المغازی، جزء ثانی، (بیروت: موسسه الأعلمی المطبوعات، 1989)، ص 471؛ ابن هشام، ص 141؛ ابن سعد، ص 66.

38. همان، ص 110-108.

39. عبدالمقصود، ص 528.

به این نکته است که در قاموس «مکتب اسلام» خاصه در بُعد انتخاب جانشین، مقبولیت چه جایگاهی دارد؟ آیا صرف مقبولیت یک فرد موجب جانشینی او می‌گردد؟ یا باید به دیگر ملاک‌ها نیز توجه داشت؟ اساساً مقبولیت شخص چه نسبتی با تعلیم پیامبر دارد؟

با عنایت به بخش‌های قبلی، ملاک‌های جانشین محمد، تا حد زیادی مشخص می‌شود. در حالت طبیعی، شخصی باید مقبولیت داشته باشد که بیشترین ملاک‌ها و معیارهای جانشینی را دارا باشد. در غیر این صورت این مقبولیت اگرچه از آن روی که موردنظر مردم قوم است مهم است اما از آن روی که در تشخیص فرد صالح بلکه اصلح ناتوان بوده، فاقد مشروعیت اسلامی است. در واقع در این مرحله است که عمق صداقت افراد به «مکتب» و تعلیمش مشخص می‌شود. اگر «تعلیم مکتب» که متأثر از رسوم و سنن عربی نیز هست مبنا قرار گیرد، مسلماً شخص جانشین به واسطه‌ی کبر سنش بر کرسی خلافت نخواهد نشست.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب فوق، «جانشینی پیامبر(ص)» به مثابه تداوم سنت «جانشینی» عرب که توسط تعلیم اسلام تعدیل شده است فهم می‌شود. اگرچه در توجیه سقیفه‌ی بنی‌ساعده، بازگشت عرب به سنن جاهلی مطرح می‌شود اما در صورت پذیرش این امر باید به صداقت اعضای سقیفه در پذیرش تعلیم مکتب اسلام شک کرد. گو این‌که اگر همان سنن عربی ملاک قرار می‌گرفت صرفاً در چند جنبه‌ی محدود «خلافت» با معیارهای «جانشینی» تطابق داشت و به وضوح تخطی از معیارهای تعیین جانشین مشهود است. متقی‌ترین افراد کنار گذاشته شدند، شیخوخت منسوخ شده غلم شد. وارث و وصی محمد با وجود همه‌ی قابلیت‌هایش نادیده گرفته شد و شاید بتوان بر این نظر اذعان کرد که سقیفه همان طور که عمر گفت یک اضطرار و «فلته» بود. همچنین باید اذعان کرد که از اصول «نظام متکی به مکتب» توسط پیروان مکتب عدول شد. به‌خصوص در مقوله‌ی «جانشینی پیامبر(ص)» تعلیم اسلام نادیده انگاشته شد، تعلیمی که به سنن عربی جهت داده بود. و این سخن که پیامبر برای خود جانشین انتخاب نکرد، نمی‌تواند جایگاه داشته باشد. حتی در صورتی که این امر صحیح باشد مطابق سنن و رسوم عربی اسلامی، شخص که صلاحیت جانشینی محمد را دارد، علی ابن ابی طالب(ع) است. کبر سن ابوبکر که بعضاً برای توجیه جانشینی او بیان می‌شود، بنا بر تحلیلی که ارائه شد، توجیه‌کننده نیست. اما علی ابن ابی طالب با تقوای خویش و صلاحیت‌های فردی و اجتماعی که داشت و همچنین با نسبتی که با پیامبر داشت بهترین گزینه برای جانشینی ایشان بود.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. قم: امام علی ابن ابی طالب (ع)، 1387.
- ابن اثیر. *اسدالغابه فی معرفه الصحابه*. جزء ثالث. التحقيق خليل مامون. بيروت: دارالمعرفه، 2009.
- _____ . *الکامل فی التاریخ*. ج 2. بيروت: دارالصادر، 1965.
- ابن سعد. *طبقات*. ج 2 و 3. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: فرهنگ و اندیشه، 1274.
- ابن هشام. *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام*. ترجمه رسول محلاتی. ج 1 و 2. تهران: کتابخانه‌ی اسلامیہ خیابان پامنار، 1368.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. *صحیح بخاری*. بيروت: دارالفکر، 2008.
- بلک، آنتونی. *تاریخ اندیشه سیاسی اسلام*. ترجمه محمدحسین وقار. تهران: اطلاعات، 1386.
- پیشوایی، مهدی. *سیره پیشوایان*. قم: موسسه امام صادق (ع)، 1387.
- جعفریان، رسول. *تاریخ سیاسی اسلام*. ج 1. قم: انتشارات دلیل ما، 1387.
- حتی، فلیپ. *تاریخ عرب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تبریز: کتابفروشی حاج محمدباقر کتابچی حقیقت، 1344.
- سالم، عبدالعزیز. *تاریخ عرب قبل از اسلام*. ترجمه باقر صدری‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی، 1380.
- شهیدی، سید جعفر. *تاریخ تحلیلی اسلام*. تهران: علمی و فرهنگی، 1383.
- طبری، محمدبن جریر. *تاریخ طبری*. ج 3. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، 1388.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح. *خاستگاه خلافت*. ترجمه سیدحسن افتخارزاده. تهران: آفاق، 1376.
- عسقلانی، ابن حجر. *الاصابه فی تمییز الصحابه*. جزء ثالث. بيروت: دارالفکر بیروت، 2001.
- فضایی، یوسف. *جامعه شناسی ادیان*. تهران: روزگار، 1364.
- قائدان، علی اصغر. «نقش نظام قبیله ای در تحولات سیاسی جزیره العرب». *مجله کیهان فرهنگی*. ش 132. فروردین و اردیبهشت 1376.
- لاپیدوس، آیرا ماروین. *تاریخ جوامع اسلامی*. ترجمه علی بختیاری‌زاده. تهران: اطلاعات، 1381.
- مادلونگ، ویلفرد. *جانشینی حضرت محمد (ص)*. ترجمه احمد نمایی و دیگران. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، 1385.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. *مروج الذهب*. ج 1. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی، 1370.
- مسلم بن حجاج. *صحیح مسلم*. مصر: مکتبه عباد الرحمن، 2008.
- واقعی، محمد بن عمر. *المغازی*. ج 2. بيروت: موسسه الأعلمی المطبوعات، 1989.

_____، مغازی، ج 1 و 3، ترجمه ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی،
1366.

